

حضرت رباب علیها السلام بانوی باوفای کربلا

زهرا زحمتکش^۱

چکیده

رباب علیها السلام دختر امرؤ القیس کلبی، مادر حضرت علی اصغر علیه السلام، از زنان بزرگوار، معروف و پرنقش کربلا و از محبوب‌ترین و مقرب‌ترین همسران امام حسین علیه السلام و از زنان نام‌دار، فاضل و وفادار عصر خود بوده است. این بانوی بزرگوار نسبت به اباعبدالله علیه السلام معرفت و محبتی خاص داشت و همسری وفادار و نیکو برای آن حضرت بود. اشعار و مرثیه‌های بانو رباب در مصیبت اباعبدالله علیه السلام بیان‌گر عظمت شخصیت و معرفت او به سیدالشهداست. وی عظمت مقام اباعبدالله را دریافته بود و به همراه امام حسین علیه السلام در کربلا حاضر شد تا تمام مصیبت‌ها و درد و رنج‌ها را تحمل کند. پس از بازگشت به مدینه، مجلس عزاداری امام حسین علیه السلام را برپا کرد و تا یک سال بعد از واقعه کربلا که حیات داشت، همواره عزادار بود. وی سرانجام یک سال پس از شهادت امام حسین علیه السلام دارفانی را وداع گفت و به مولای خود ملحق شد.

بررسی ویژگی‌ها و مقام و منزلت رباب علیها السلام مهم‌ترین مسئله این نوشتار است. همچنین مسئله حضور ایشان در کربلا و پس از واقعه عاشورا بررسی شده است. شیوه مورد استفاده برای انجام این پژوهش، روش تحقیق تاریخی - توصیفی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: رباب علیها السلام، کربلا، مادر حضرت علی اصغر علیه السلام، همسر امام حسین علیه السلام.

۱. مدرس جامعه المصطفی العالمیه، نمایندگی مشهد؛ کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ نویسنده مسئول (z.zahmatkesh1@yahoo.com)

مقدمه

امام حسین علیه السلام نبوغ، علم و مهارتی خاص در اداره اوضاع سیاسی اسلام داشت. از این رو در کربلا با نقشه‌ای صحیح و از مجرای طبیعی، شروع به مبارزه کرد و در این راه، هر چیزی که در پیشرفت مقصودش مؤثر بود، به کار بست. همراه آوردن و شرکت دادن زنان در این نهضت عظیم دینی، از جمله مؤثرترین عوامل پیشرفت هدف امام حسین علیه السلام به شمار می‌رود؛ در حالی که اگر ابا عبدالله علیه السلام با عده‌ای از یاران و بستگان خود به کوفه می‌رفت و به شهادت می‌رسید، بلافاصله دستگاه‌های تبلیغاتی بنی‌امیه با آمادگی و تجهیزاتی که داشتند، تمام پیشامدها را به سود خود توجیه می‌کردند و این امر موجب می‌شد مردم بر اثر تبلیغات سوء بنی‌امیه، این قیام را از جنگ‌های معمولی میان اعراب تلقی کنند و سرو صداها در اندک زمانی پس از این واقعه عظیم، خاموش شود. در نتیجه بنی‌امیه در کرسی سلطنت قرار می‌گرفت و بر مبنای مرام خود عمل می‌کرد؛ اما حضور بانوان در این قیام، اجازه این کار را به آنها نداد تا نقشه شوم‌شان عملی شود.

در این جا این نکته قابل تأمل است که امام حسین علیه السلام می‌خواست از این راه و با شهادتش کاری کند که با تبلیغ آن برای ابد، دستگاه اموی را رسوا سازد و آیین ظلم و ستم آنان را محکوم کند. حدود هشتاد زن و کودک در کربلا حضور داشتند که رباب علیه السلام از جمله زنان عاشورایی است که در این واقعه، داغ شیرخوارشش ماهه‌اش حضرت علی اصغر علیه السلام بردلش ماند.

رباب علیه السلام دختر «امرء القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن جناب بن کلب» شاعر بزرگ عرب و مادرش «هند الهنود» دختر «ربیع بن مسعود بن مضاد بن حصن بن کعب بن علیم بن جناب» بوده که در واقع «جناب» جد اعلای پدری و مادری حضرت علی اصغر علیه السلام است. امرء القیس سه دختر خود را در مدینه به ازدواج حضرت امیرالمؤمنین، امام مجتبی و امام حسین علیه السلام در آورد که رباب همسر ابا عبدالله علیه السلام یکی از دختران اوست. بنابراین بررسی و شناخت ویژگی‌ها و فضایل اخلاقی رباب علیه السلام به عنوان فرضیه پژوهش پیش روست. بر اساس این فرضیه، سؤالاتی مطرح می‌شود؛ پرسش‌هایی از قبیل این که رباب علیه السلام از چه خاندانی است و نقش وی در واقعه کربلا و پس از واقعه کربلا



چگونه بوده است، مورد بحث این پژوهش‌اند.

نسب حضرت رباب رضی الله عنه

رباب دختر امرؤ القیس بن عدی است. پدرش از اعراب شام و نصرانی بود و در خلافت عمر مسلمان شد. از مادر رباب نیز با نام هند الهنود دختر ربیع بن مسعود بن مصاد بن حصن بن کعب یاد شده است (امین، ۱۴۲۱: ۴۴۹/۶).
گفتنی است که این امرؤ القیس، شاعر معروف عرب نیست. بنا به نقل *ناسخ التواریخ* نسبت حضرت رباب این‌گونه است:

رباب، بنت امرؤ القیس بن عدی بن جابر بن کعب بن علی بن برة بن ثعلبه بن عمران بن الحاف بن قضاة. (محلّاتی، بی‌تا: ج ۳، ۳۱۳)

مرحوم فرهاد میرزا در کتاب *قمقام* روایت کرده است که عوف بن خارجه مزنی گفت: در زمان خلافت عمر بن خطاب نزد وی بودم. در این هنگام، مردی نزد عمر آمد و خواست مسلمان شود. عمر نام او را پرسید و او گفت: من مسیحی هستم و نامم امرؤ القیس کلبی است. عمر او را شناخت و علت اسلام آوردنش را پرسید. امرؤ القیس گفت: آمده‌ام به اسلام مشرف شوم و آداب آن بیاموزم. بعد از این کلام بود که مسلمان شد و حکومت مسلمانان «قضاة» که در شام بودند به او داده شد.

مادر رباب، هند الهنود، دختر ربیع بن مسعود بن مصاد بن حصن بن کعب است. مادر هند الهنود میسون دختر عمرو بن ثعلبه بن حصین بن ضمضم است و مادر میسون، دختر اوس بن حارثة بن لام طائی است (قاضی نعمان، ۱۴۰۴: ۱۷۷-۱۷۸؛ اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۹؛ سماوی، ۱۳۴۱: ۲۴؛ حائری، بی‌تا: ۲۶۲؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۲؛ طبری، بی‌تا: ۳۵۹/۴). در هر حال خانواده حضرت رباب رضی الله عنه از اشراف و بزرگان عرب بوده و در نزد امام مقام و منزلتی شایسته داشته‌اند.

در بعضی نقل‌ها، نسب حضرت رباب رضی الله عنه چنین آمده است:

رباب دختر امرؤ القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن علیم بن هبل بن عبدالله بن کنانة بن بکر بن عوف بن عذرة بن زید لات بن رفیدة بن ثور بن کلب.

پدر حضرت رباب علیها السلام

امرؤ القیس پدر حضرت رباب علیها السلام غیر از «امرؤ القیس بن عابس کنندی» از شعرای معروف جاهلیت، صاحب قصیده معروف از معلقات سبعه است. او هشتاد سال پیش از بعثت از دنیا رفته بود (خراسانی، بی تا: ۲۴۳).

برخی این روایت را که امرؤ القیس پدر رباب باشد، نپذیرفته و گفته اند: رباب همسر امام حسین علیه السلام دختر «انیف» است (رسولی محلاتی، ۱۴۱۲: ۵۶۰). البته این قول نادر است و بیشتر مورخان، همان قول اول را ذکر کرده اند. به این روایت، اشکالاتی نیز وارد کرده اند که در این جا ذکر می شود.

حضرت سکینه علیها السلام در روز عاشورا حدود پانزده یا چهارده ساله بوده است و در این اختلافی نیست. اگر فرض کنیم حکومت امرؤ القیس بر مسیحیان شام در آخر خلافت خلیفه دوم باشد و همان هنگام نیز رباب را به خواستگاری حسین دعوت کرده باشند، باز ۲۴ سال پس از ازدواج به سکینه حامله شده است؛ مگر آن که اولادی پیش از سکینه بوده و فوت شده باشد، در حالی که در اخبار، نامی از آن نیست و باید گفت بین زفاف و حمل فاصله بسیار بوده است (عمادزاده، بی تا: ۳۵۱).

در پاسخ به این اشکال باید گفت: اولاً این مطلب را نمی توان به عنوان اشکال مطرح کرد؛ زیرا زنان بسیاری بوده اند که در سال های نخستین ازدواج صاحب فرزند نشده اند و بعداً خداوند به آنان فرزند عنایت کرده است. ثانیاً شاید حضرت رباب علیها السلام هنگام خواستگاری امام حسین علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام در سنین پایین بوده و پس از این که بزرگ شده، زفاف و ازدواج صورت یافته است. با این جواب، دیگر اشکالی وارد نمی شود و همان قول اکثر کتب و ارباب مقاتل به قوت خود باقی می ماند.

ویژگی های شخصیتی

شواهد تاریخی، گواهی روشن بر این است که حضرت رباب، بانویی فرهیخته، عالمه و فاضله بوده که در نزد حضرت سیدالشهدا علیه السلام جایگاهی والا داشته است.



صفدی در الوافی بالوفیات چنین می نگارد:

كانت الرباب من أفضل النساء وأجملهن وخيارهن؛ (الصفدى، بی تا: ۷۵/۱۴)
حضرت رباب رضی اللہ عنہا از بافضیلت ترین، زیباترین و بهترین زنان بوده است.

ابن عساکر در تاریخ دمشق آورده است:

كانت من أجمل النساء وأعقلهن؛ (ابن عساکر، بی تا: ۹/۷۳)
حضرت رباب از زیباترین و عاقل ترین زنان بوده است.

سید محسن امین هم در اعیان الشیعه اوصاف حضرت رباب رضی اللہ عنہا را این گونه بیان می کند:

كانت من خيار النساء، جمالاً وأدباً وعقلاً؛ (امین، ۱۴۲۱: ۶/۴۴۹)
حضرت رباب رضی اللہ عنہا از بهترین زنان از حیث زیبایی، ادب و عقلانیت بوده است.

هشام کلبی درباره ایشان می گوید:

وكانت الرباب خيار النساء وأفضلهن؛ (اسماعیلی یزدی، بی تا: ۵۳۸)
فضیلت و مقامات علمی و عملی ایشان بر احدی پوشیده نیست.

حضرت رباب رضی اللہ عنہا از بهترین زنان در عقل و ادب بوده و پدر ایشان از اشراف و خانواده های بزرگ عرب به شمار می رفته است (فرهاد میرزا، ۱۳۶۳: ۲/۶۵۳؛ خراسانی، بی تا: ۲۴۳؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰؛ امین، ۱۴۰۳: ۶/۴۴۹).

ازدواج با حسین بن علی رضی اللہ عنہما

ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق، ماجرای ازدواج امام با ایشان را بدین صورت نقل کرده است:

در زمان عمر، امرء القیس به مسجد آمد و اسلام آورد. وقتی از مجلس به سمت منزل خود بیرون رفت، امام علی رضی اللہ عنہ نیز با حسنین از مسجد بیرون شد. به او فرمود: من علی بن ابی طالب پسر عموی پیامبرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم و این دو فرزندان من اند. می خواهیم با تو پیوند خویشاوندی برقرار کنیم. او هم دخترش محیاه را به

حضرت علی علیه السلام تزویج نمود؛ دخترش سلمی را به امام حسن و رباب علیه السلام به امام حسین علیه السلام تزویج کرد. (ابن عساکر، بی تا: ۱۱۹ / ۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸ / ۲۲۹؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ۲ / ۴۱۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۳۵۴-۳۵۵؛ فرهادمیرزا، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۵۳؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰؛ سماوی، ۱۳۴۱: ۲۴؛ حائری مازندرانی، بی تا: ۱ / ۴۱۷؛ حائری، بی تا: ۲۶۲-۲۶۳؛ قمی، بی تا: ۱ / ۴۶۴؛ عمادزاده، بی تا: ۴۱۸؛ قندوزی، ۱۳۸۵: ۲ / ۳۸۷)

از ماجرای ازدواج می توان فهمید که اسلام آوردن امرء القیس از روی شناخت و بینش واقعی بوده که با یک پیشنهاد از سوی امام علی علیه السلام، سه دختر خود را به این خانواده داد. درباره رباب علیه السلام نیز نقل شده است که از زنان نام دار، فاضل و وفادار عصر خود بود (قمی، ۱۴۲۱: ۲۷۸).

بنابراین در همان سال ۱۴ یا ۱۶ هجری - که تاریخ اسلام آوردن امرء القیس است - رباب علیه السلام به ازدواج حضرت سیدالشهداء علیه السلام درآمد؛ چنان که مشهور بین مورخان نیز همین است. ایشان نخستین زنی است که به حباله نکاح حضرت سیدالشهداء علیه السلام درآمد است (محلّاتی، بی تا: ۳ / ۳۱۵).

شیخ مفید در ذکر اولاد امام حسین علیه السلام، رباب را جزو همسران امام می شمارد (مفید، ۱۳۸۸: ۲ / ۱۳۵). بنابر نقلی، امرء القیس سه فرزند خود را از فرط علاقه و ارادت به حضرت علی علیه السلام به عقد ازدواج امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین علیه السلام درآورد (بلاذری، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۹۵).

علاقه امام حسین علیه السلام به رباب

میزان و ژرفای مقامات هر کس را می توان در کلام بزرگان به ویژه ائمه اطهار علیهم السلام دریافت. همچنین می توان از تعبیری که از قول سیدالشهداء علیه السلام درباره ایشان وارد شده، اوج مقام این بانوی بزرگوار را کشف کرد.

براهل فضل روشن است که حبّ و بغض امام، جنبه شخصی یا احساسی ندارد، بلکه بغض امام معصوم، نسبت به یک شخص، اوج خباثت شخص و حبّ امام نسبت به شخصی اوج مقامات معنوی و عظمت روحی آن شخص را بیان می کند. امام حسین علیه السلام رباب علیه السلام را بسیار دوست می داشت (ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸ / ۲۲۸).

اولیای الهی به میزان اوج مقام و منزلت، امتحانات دشواتری نیز از جانب خداوند رحمان خواهند شد. در وصف ایشان، شاید اگر «زینب ثانی کربلا» گفته شود، گزافه‌گویی نشده است؛ چراکه عملکرد وی در نفس واقعه کربلا و به خصوص پس از آن، تأمل‌برانگیز است؛ بدان سبب که عملکرد گویای او، گونه‌ای از مقام حجة‌اللهی و وساطت در تبلیغ امور مهم الهی است؛ چنان‌که برای حضرت زینب علیها السلام، حضرت مریم علیها السلام و برخی دیگر از زنان، شأن حجة‌اللهی قائلیم و اینان حجج الهی برای وساطت در برخی امور مهم بوده‌اند.

اشعار امام حسین علیه السلام برای حضرت رباب علیها السلام

شواهد تاریخی نیز گویای این مطلب هستند که وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام علاقه‌ای شدید به حضرت رباب علیها السلام داشت و گاه این علاقه را در غالب چنین اشعاری بیان می‌کرد:

كان الحسين يحبها [الرباب] حُباً شديداً... (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۶۵)
 أحبّ الحسين زوجته الرباب حباً شديداً وكان بهما معجباً يقول فيها الشعر: (ابن كثير،
 ۱۴۱۳: ۲۰۹/۸)
 كَأَنَّ الْإِيلَ مَوْصُولٌ بِلَيْلٍ / إِذَا زَارَتْ سُكَيْنَةَ وَالرَّبَابُ؛ (خراسانی، بی تا: ۲۴۳)
 از جمله شواهد، شعری است که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در زمانی که حضرت رباب و سکینه برای دیدن خویشان خود از حضرت دور بودند می‌نگاشت:
 «گویا شب به شب متصل است / زمانی که سکینه و رباب به دیدن کسی بروند»^۱.

باید توجه داشت که چنین تعبیری از زبان امام معصوم صادر می‌شود و همان دقت و ظرافتی که در برداشت‌های فقهی و اعتقادی از کلام معصوم متصور است، در دیگر شئون کلام نیز اعمال می‌شود و این تعبیر، حاکی از اوج اتصال روحی آن حضرت به رباب است که قهراً از عظمت روحی و اوج مقام معنوی این بانوی والا مقام حکایت دارد.

همچنین در وصف حضرت رباب و سکینه، آمده است که سیدالشهدا علیه السلام

۱. کنایه از این‌که روزی برایم وجود ندارد و همه‌اش مانند شب تاریک می‌گذرد.

چنین می فرمود:

لَعَمْرُكَ إِنَّنِي لَأَجِبُ دَاراً تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةً وَالرِّبَابُ
أُحِبُّهُمَا وَأَبْدُلُ جُلَّ حَالِي وَلَيْسَ لِلْأَمَى فِيهَا عِتَابٌ^۱

(اصفهانی، ۱۳۷۲: ۵۹؛ خراسانی، بی تا: ۲۴۳؛ فرهادمیرزا، ۱۳۶۳: ۶۵۳/۲؛ حائری، بی تا: ۲۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۷/۴۵؛ شوشتری، ۱۴۱۵: ۲۵۶/۱۲؛ امین، ۱۴۰۳: ۳۵۵/۳؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۴: ۱۷۷-۱۷۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱/۳۵۵؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۰: ۲۱۳؛ بلاذری، ۱۳۹۴: ۱۹۵-۱۹۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸/۲۲۸؛ قندوزی، ۱۳۸۵: ۹/۳؛ طبری، بی تا: ج ۱۱، ۵۲۰؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۳۸؛ سماوی، ۱۳۴۱: ۲۴؛ امین، ۱۹۹۶: ۱۷۰-۱۷۱؛ خراسانی بیرجندی، ۱۳۷۶: ۲۵۰)

در پاسخ باید گفت که این مطلب، هیچ محذور شرعی ندارد؛ بلکه دارای مؤیدات شرعی نیز هست و برای معرفی شخصیت آن بانوی بزرگوار است. هنگامی که بسیاری از کتب معتبر، با سند صحیح این مطلب را نقل کرده اند با استبعادهای ذهنی نمی توان حقایق تاریخی را انکار کرد. به عنوان نمونه، می توان به موارد بسیاری اشاره کرد که پیامبر ﷺ محبت خود را به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام اظهار می کرد. باید گفت این مطلب از امام حسین علیه السلام نه تنها عرفاً نامناسب نیست، بلکه درسی به پیروانش برای استحکام خانواده در میان آنهاست.

لا تحرقی قلبی بدمعک حسرة مادام منی الروح فی الجثمانی
فاذا قتلت فانت اولی بالذی تبکینه یا خیره النسوان^۲

گفتمنی است این تعابیر از امام معصوم صادر شده و چگونگی تحلیل این اشعار با شعرهای عاشقانه متعارف از دیگران، قابل مقایسه نیست. از این رو باید به این مسئله توجه داشت که ذکر این اشعار در این باره برای تبیین اوج مقام روحانی و اتصال معنوی حضرت سیدالشهدا علیه السلام با حضرت رباب علیها السلام است.

۱. سوگند به جان تو، همانا من خانه ای که در آن سکینه و رباب باشد دوست دارم. آن دورا دوست دارم و بیشتر اموال را در راه آن دوبخشش می کنم و به سرزنش ملامت گران اعتنایی ندارم. (امین، ۱۴۲۱: ۴۴۹/۶)
۲. دخترم! تا زمانی که جان در بدن دارم مرا با اشک حسرت بار خود مسوزان؛ ای بهترین زنان! آن گاه که من کشته شدم، او برای گریه سزاوارتر است.

با اشاره به آن چه از صحبت های امام حسین علیه السلام نقل شده و در تاریخ آمده است، می توان گفت: از این سخنان به خوبی فهمیده می شود که امام حسین علیه السلام، رباب را به عنوان محرم دل و رفیق خود در کربلا به همراه داشت.

محبت رباب به امام حسین علیه السلام

حضرت رباب علیه السلام بانویی بامعرفت بود و امام حسین علیه السلام عظمت خاصی در قلب او داشت. در این باره چند فراز تاریخی وجود دارد:

الف) هنگامی که حضرت رباب علیه السلام به مدینه بازگشت، عده ای از بزرگان و اشراف قریش از او خواستگاری کردند؛ ولی ایشان نپذیرفت و فرمود:

لَا يَكُونُ لِي حَمُوعًا رَسُولَ اللَّهِ؛

بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله هرگز پدر شوهری نمی گیرم.

ب) اشعاری که رباب پس از کربلا برای همسرش امام حسین علیه السلام سروده، نشانه ای از اوج محبت اوست؛ آن جا که گفته است:

إِنَّ الَّذِي كَانَ نَوْرًا يُسْتَضَاءُ بِهِ فِي كَرْبَلَاءَ قَتِيلَ غَيْرُ مَدْفُونٍ
سَبَطَ النَّبِيُّ جَزَاكَ اللَّهُ صَالِحَةً عَنَّا وَجُتِبَتْ حُسْرَانَ الْمَوَازِينِ^۱

(فرهاد میرزا، ۱۳۶۳: ۲/۶۵۳؛ خراسانی، بی تا: ۲۴۳؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰؛ رسولی محلاتی، ۱۴۱۲: ۵۱۶-۵۱۷؛ بزی، ۱۳۶۱: ۴۶-۴۷؛ امین، ۱۴۰۳: ۱/۶۲۲؛ محلاتی، بی تا: ۳/۳۱۶)

انشای این گونه اشعار، حاکی از اوج معرفت و سرسپردگی شاعر نسبت به مقام ولایت است؛ گویی این ارادت و دل بستگی به ولی خدا در ذرات کالبد او رسوخ کرده باشد.

ج) در احوالات حضرت رباب علیه السلام در مجلس عبیدالله بن زیاد، این گونه بیان کرده اند که

۱. همانا شخصی که همواره مانند نوره دیگران روشنایی می بخشد، در کربلا کشته شد و دفنش نیز نکردند. فرزند پیامبر! خداوند از ما جزای نیکو به تو عطا کند و از خسران در میزان ها دور باشی. تو برای من مانند کوهی استوار بودی که به آن پناه می بردم و همیشه با مهربانی و موازین شرعی با ما رفتار می نمودی. بعد از تو چه کسی به فریاد یتیمان و نیازمندان برسد و بیچارگان به چه کسی پناه برند؟ به خدا قسم، هرگز بعد از شما پدر شوهری نخواهم داشت تا این که میان خاک ها و ریگ ها پنهان شوم و از دنیا بروم.



چون نگاه حضرت رباب به سر مقدس امام حسین علیه السلام افتاد، بی تاب شد. سر را در بغل گرفت و بوسید و در کنار خود نهاد و نوحه سرایی کرد و این اشعار را خواند:

وَ حُسَيْنَاهُ فَلَا نَسِيْتُ حُسَيْنًا أَقْصَدَتْهُ أَسِنَّةُ الْأَعْدَاءِ
غَادِرُوهُ بِكَرْبَلَا صَرِيحًا لَا سَقَى اللَّهُ جَانِبِي الْكَرْبَلَاءِ^۱

(فرهاد میرزا، ۱۳۶۳: ۲/ ۶۵۰ و ۶۵۳؛ قمی، بی تا: ۱، ۴۶۴؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰ و ۲۵۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۳۳؛ موسوی مفرم، ۱۳۶۶: ۴۲۴-۴۲۵؛ حائری، بی تا: ۲، ۱۱۰؛ امین، ۱۹۹۶: ۱۷۰-۱۷۱؛ امین، ۱۴۰۳: ۱/ ۶۲۲؛ ری شهری، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۹۲-۲۹۳)

رباب علیه السلام با سروردن همین دوبیت شعر، رویداد کربلا را تبیین کرد و راه تحریف را بر دشمنان بست.

فرزندان

رباب علیه السلام دو فرزند از امام حسین علیه السلام داشت؛ یکی سکینه و دیگری عبدالله. عبدالله (علی اصغر) علیه السلام که در روز عاشورا، در حالی که کودکی بیش نبود، در آغوش پدرش به شهادت رسید (مفید، ۱۳۸۸: ۲/ ۱۳۵).

حضور در کربلا

بر اساس شواهد نقل شده، رباب علیه السلام در کربلا حضور داشت و همراه اسیران به شام رفت. گفته شده است که او شهادت علی اصغر علیه السلام در آغوش پدر را نظاره گر بود (سماوی، ۱۳۴۱: ۲۲۳؛ امین، ۱۴۲۱: ۶/ ۴۴۹). ابن کثیر دمشقی می گوید:

او در کربلا همراه حسین علیه السلام بود و هنگامی که حسین کشته شد، بسیار بی تابی می کرد. (ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸/ ۲۲۹)

دوری از لذایذ دنیوی نیز بخشی دیگر از اموری است که در سیره حضرت رباب علیه السلام به چشم می خورد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ۱، ۲۹۲-۲۹۳).

۱. ولی حسین! هرگز فراموش نمی کنم حسین را! آیا نیزه های دشمن او را نشانه رفت؟ او را در حالی که روی زمین زمین افتاد بود رها کردند. خداوند اطراف کربلا را آب ننوشاند [و از باران محرومشان کند].

اوج صبوری حضرت رباب علیها السلام در واقعه کربلا

وقتی حرمه را به نزد مختار بردند، مختار از او پرسید: ای ملعون! هیچ وقت در کربلا دلت به حال امام حسین علیه السلام نسوخت؟ گفت: آری! پس از شهادت علی اصغر، هنگامی که حسین به خیمه‌ها برگشت، طفل کشته خود را زیر عبا گرفته بود. در این وقت دیدم که زنی مجلله چادر به سر و نقاب به صورت بیرون خیمه‌ها ایستاده، گویا مادر آن طفل شیرخوار بود. همین که چشم حسین به مادر او افتاد، برگشت و چند دقیقه‌ای تأمل کرد؛ سپس به سوی خیمه آمد، باز خجالت کشید و برگشت و این حرکت را سه بار ادامه داد. مختار گفت: آخر چه شد؟ گفت: بالآخره حسین از مرکب به زیر آمد و گودالی کند و طفل را در آن دفن کرد (اسماعیلی یزدی، بی تا: ۵۴۷).

صدرالدین واعظ قزوینی در این باره می‌گوید:

امام حسین علیه السلام قنداقه علی اصغر را به خون آغشته کرد و سپس آن را دفن نمود.

(واعظ قزوینی، بی تا: ۱۰۳/۲)

در شب یازدهم محرم، حضرت زینب علیها السلام شام غریبانی داشت؛ از یک سو برادران و فرزندان و خاندان خود را می‌دید که با پیکرهای آغشته به خون بر روی زمین گرم کربلا افتاده‌اند و از سوی دیگر، شاهد صدای ضجه و شیون کودکان و زنان داغ‌دار بود که همگی در غم از دست دادن عزیزانشان مویه سرداده بودند. از سوی دیگر نیز به خیمه نیم سوخته امام سجاد علیه السلام می‌نگریست که حضرت با تنی تب‌دار در درون آن افتاده بود.

سکینه سراغ پدر را می‌گرفت؛ رباب علیها السلام به فکر اصغر خود در خیمه‌ای نیم سوخته لالایی می‌خواند، اما کوفیان حتی گهواره خالی علی اصغر را نیز برای رباب نگذاشته بودند و آن را به غارت برده بودند.

در شب یازدهم، کودکان امام حسین علیه السلام همگی در درون خیمه‌ای نیم سوخته جمع شده و به یاد طفل شش ماهه رباب بودند. رقیه به یاد برادر نازنینش اشک می‌ریخت. او به یاد خنده‌های شیرین علی اصغر علیه السلام می‌افتاد و از دل، شیون و زاری می‌کرد. او به یاد شب گذشته می‌افتاد که چگونه علی اصغر علیه السلام با لبانی تشنه درون گهواره به خواب فرورفته بود

که ناگاه از پشت خیمه نیم سوخته صدای گریه و شیونی جان سوز بلند شد.
 زینب علیها السلام با شتاب از خیمه بیرون دوید. دید رباب گریه می کند و اشک
 می ریزد. زینب علیها السلام خطاب به رباب علیها السلام فرمود: ای بانو! ما باید به خاطر کودکان و بچه ها
 آرامش خود را حفظ کنیم. رباب علیها السلام عرض کرد: امروز عصر به ما آب دادند. سینه من پراز
 شیر شده، اما علی اصغر تشنه لب کجاست که از این شیر بیاشامد؟ (اسماعیلی یزدی،
 بی تا: ۶۳۷).

رسالت حضرت رباب علیها السلام پس از واقعه کربلا

به نقل از مورخان، حضرت رباب علیها السلام، در سفر کربلا حضور داشت و همراه اسیران به
 شام رفت. سپس به مدینه بازگشت و به مدت یک سال برای سید الشهداء علیهم السلام عزاداری
 کرد و مرثیه هایی نیز در سوگ آن حضرت سرود. وی خواستگاران از اشراف و بزرگان قریش
 را رد کرد و حاضر نشد با کسی ازدواج کند (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۸۸). رباب علیها السلام در سوگ
 اباعبدالله علیهم السلام پیوسته گریان بود و زیر سایه نمی رفت. از فرط گریه و اندوه بر شهادت
 حسین علیهم السلام یک سال بعد - در سال ۶۲ هجری - جان باخت (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴ / ۸۸).
 برخی برای امام حسین علیهم السلام همسر دیگری نقل کرده اند که فرزند خود به نام محسن را
 نزدیک شهر حلب، در مکانی به نام جوشن - که معدن مسی در آن بود - سقط کرد.
 احتمال دارد این همسر، یکی از همان همسرانی باشد که به آنها اشاره شد. حموی در
 معجم البلدان گفته است:

جوشن، کوهی در طرف غربی حلب است. هنگامی که اسرای اهل بیت علیهم السلام را از
 آن جا عبور دادند، همسر امام حسین - که باردار بود - از آنان طلب آب و غذا کرد.
 ایشان به او ناسزا گفتند و از آب و نان منع کردند. آن زن آنها را نفرین کرد و آن
 معدن از کار افتاد و آن مکان، به مشهد السقط و مشهد الدکة معروف شد.
 (حموی، ۱۹۹۵: ۲ / ۱۸۶)

آن چه زوایای کوچکی از آن تا بدین جای نوشتار روشن شد، عهده داری وظیفه ای خطیر
 برای بقای آثار حرکت سید الشهداء علیهم السلام است، اگرچه این رسالت، از اتفاقات معلول مسائل

عاطفی و روانی جدا نیست؛ بدین معنا که آن چه در عملکرد این بزرگ بانوی اسلام پس از واقعه کربلا دیده شده است را نه می‌توان منحصر در جنبه روشن‌گری و فریاد ظلم‌ستیزی و نه منحصر در جنبه ابزار عواطف طبیعی بین افراد دانست؛ بلکه این دو جهت توأم با یکدیگر در سیره حضرت رباب علیها السلام موجود است. بنابراین نمی‌توان از خطبه خوانی، مدیحه‌سرایی و عزاداری کردن حضرت رباب علیها السلام به سادگی گذشت و آن را منحصرراً در قالبی نمادین، عاطفی و خالی از رسالت الهی دانست.

از جمله اموری که در قضایای بعد از عاشورا، نمودی ویژه دارد، سوگواری شدید حضرت رباب علیها السلام است.

عزاداری یا اقامت در کنار قبر امام حسین علیه السلام

بنابر نقل برخی کتاب‌های تاریخی، رباب پس از بازگشت از شام، به مدت یک سال به تنهایی بر سر قبر امام حسین علیه السلام ماند و عزاداری کرد و سپس به مدینه بازگشت و در حالی که از شهادت آن حضرت بسیار ناراحت و غمگین بود، از دنیا رفت (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴/ ۸۸). در ماندن این بانوی مکرمه در کربلا، جای هیچ‌گونه استبعاد نیست؛ زیرا در آن روزگار، چنین کاری به‌ویژه نزد زن‌های باوفا معمول بوده است، همان‌گونه که فاطمه پس از وفات همسرش حسن مثنی‌فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام تا یک سال در کنار قبرش چادر زد و عزاداری کرد (قمی، ۱۴۲۱: ۱/ ۲۵۶). این سخن را شیخ مفید و بسیاری از دیگر عالمان شیعی نیز نقل کرده‌اند؛ اما شیخ کلینی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن بانو برای امام حسین علیه السلام یک سال عزاداری کرد، نه یک سال اقامت، و سپس از دنیا رفت.

برخی نویسندگان از این روایت استفاده کرده‌اند که رباب مجلس عزارا در مدینه برپا کرده است نه بر سر مزار امام حسین علیه السلام. افزون بر این، در منابع تاریخی آمده است که امام سجاد علیه السلام اجازه نمی‌داد رباب یک سال در آن سرزمین تنها بماند. خود آن بانو نیز به چنین کاری اقدام نمی‌کرد.

عزاداری عجیب رباب علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ امْرَأَتَهُ الْكَلْبِيَّةَ عَلَيْهِ مَا تَمَّ وَبَكَتْ وَبَكَينَ النِّسَاءُ وَالْحَدَمُ حَتَّى جَفَّتْ دُمُوعُهُنَّ وَذَهَبَتْ فَبَيْنَمَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا رَأَتْ جَارِيَةً مِنْ جَوَارِيهَا تَبْكِي وَدُمُوعَهَا تَسِيلُ فَدَعَتْهَا فَقَالَتْ لَهَا مَا لَكَ أَنْتِ مِنْ بَيْنِنَا تَسِيلُ دُمُوعِكَ قَالَتْ إِنِّي لَمَّا أَصَابَنِي الْجَهْدُ شَرِبْتُ شَرِبَةَ سَوِيْقٍ قَالَ فَأَمَرْتُ بِالطَّعَامِ وَالْأَسْوِقَةِ فَأَكَلْتُ وَشَرِبْتُ وَأَطْعَمْتُ وَسَقَفْتُ وَقَالَتْ إِنَّمَا تُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ تَتَّقَوِي عَلَى الْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (كَلِينِي، بِي تَا: ۴۶۶/۱، بَاب مَوْلَا الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ح ۹)

هنگامی که امام حسین علیه السلام شهید شد، همسرش از قبیله کلبی برایش مجلس ماتم و عزا گرفت و خودش همراه زنان و خادم‌ها می‌گریستند، تا آن که اشک چشمانشان خشک شد. روزی دید یکی از زنان خدمتکارگریه می‌کند، در حالی که اشک‌هایش جاری است. به او گفت: چرا در بین ما تنها اشک تو جاری است؟ پاسخ داد: من مقداری سویق خورده‌ام. او وقتی این مطلب را شنید، دستور داد طعام و سویق بیاورند. همگی خوردند و گفت: با این کار می‌خواهیم قدرت گریه بر امام حسین علیه السلام پیدا کنیم.

این امور را نمی‌توان صرف بروز عواطف دانست؛ اگرچه خالی از آن هم نیست. چنین نوعی از اقامه عزا، در جامعه و اتفاقات پیرامون آن، اثری شگرف دارد و حضرت علیه السلام بار رسالت بعد از کربلا را با جان و دل به دوش کشیده است. در روایتی این‌گونه نقل شده است:

... وَأَهْدِي إِلَى الْكَلْبِيَّةِ جُؤْنَ لَتَسْتَعِينِ بِهَا عَلَى مَا تَمَّ الْحُسَيْنِ. فَلَمَّا رَأَتْ الْجُؤْنَ قَالَتْ: مَا هَذِهِ؟ قَالُوا هَدِيَّةٌ أَهْدَاهَا فَلَانٌ لَتَسْتَعِينِي بِهَا عَلَى مَا تَمَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَتْ: لَسْنَا فِي عُرْسٍ فَمَا نَصْنَعُ بِهَا؟ ثُمَّ أَمَرْتُ بِهِنَّ، فَأَخْرَجَنَ مِنَ الدَّارِ فَلَمَّا خَرَجْنَ مِنَ الدَّارِ لَمْ يُحَسَّ لَهُنَّ حَسٌّ كَأَنَّما طُرْنَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَلَمْ يَرَهُنَّ بَعْدَ خُرُوجِهِنَّ مِنَ الدَّارِ أُنْتُ؛ (مَحَلَاتِي، بِي تَا: ۳۱۶ / ۳؛ مَجْلِسِي، ۱۴۰۳: ۴۵ / بَاب ۳۹. كَلِينِي، بِي تَا: ۳۶۸/۲، ح ۹)

روزی نزد حضرت رباب، ظرف عطریا مرغ بریانی آوردند تا به وسیله آن در عزای امام حسین علیه السلام استعانت بجوید. هنگامی که چشم حضرت رباب علیه السلام به آن ظرف افتاد، فرمود: این چیست؟ عرضه داشتند: هدیه‌ای است که فلانی فرستاده تا شما به وسیله آن در عزای امام حسین علیه السلام استعانت بجوید. فرمود: ما

که مشغول عروسی نیستیم! اینها به درد ما نمی خورد. سپس به آن بانوان دستور داد آنها از خانه خارج شوند. وقتی خارج شدند، اثری از آنها احساس نشد، گویی در میان آسمان وزمین پرواز کردند و هنگامی که خارج شدند اثری به جای ننهاند.

تخریب خانه رباب در مدینه

سعید بن عاص - والی یزید در مدینه - وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید، خانه های حضرت علی علیه السلام، عقیل و رباب - همسر امام حسین علیه السلام - را در مدینه خراب کرد (قاضی نعمانی، ۱۴۰۴: ۳ / ۲۶۹).

زندگی رباب علیه السلام پس از امام حسین علیه السلام

حضرت رباب علیه السلام بعد از شهادت امام حسین علیه السلام یک سال بیشتر زنده نماند و در سال ۶۲ هجری از دنیا رفت. آن حضرت این مدت را در کمال ناراحتی و اندوه زیست و هرگز از آفتاب به زیر سقف یا سایه نرفت تا این که بدنش فرسوده شد و از فرط اندوه و غصه از دنیا رفت (فرهاد میرزا، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۵۳؛ خراسانی، بی تا: ۲۴۳؛ امین، ۱۴۰۳: ۶ / ۴۴۹؛ شوشتری، ۱۴۱۵: ۱۲ / ۲۵۵-۲۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴، ۸۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸، ۲۲۹؛ قمی، ۱۴۲۱: ۳۴۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۲۳۸؛ امین، ۱۹۹۶: ۱۷۱).

گویا وی پس از آن که به چشم خود بدن مطهر امام حسین علیه السلام را برهنه در مقابل آفتاب دید، با خود عهد کرد در سایه زندگی نکند؛ چنان که نقل شده است هنگامی که حضرت زینب علیه السلام از او خواست همراه دیگر بانوان به زیر سقف و سایه بیاید و عزاداری کند، نپذیرفت و فرمود: « از هنگامی که دیدم جسم آقای من حسین زیر حرارت خورشید است، با خودم عهد کرده ام تا هنگامی که زنده هستم زیر سایه نروم» (قمی، بی تا: ۱ / ۴۶۴).

وفات حضرت رباب علیه السلام

روز وفات حضرت رباب علیه السلام مشخص نیست، ولی قدر مسلم تا یک سال بعد از

شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام حیات داشت (محلّاتی، بی تا: ۳، ۳۱۳).

حضرت رباب علیه السلام پس از بازگشت به مدینه، در آن جا مجلس عزا برپا می ساخت و زنان نزد او جمع می شدند. آنان آن قدر می گریستند که چشمانشان مانند کاسه خون می شد (حائری مازندرانی، بی تا: ج ۲، ۱۹۸؛ موسوی زنجانی، بی تا: ۴۰۵؛ جمعی از محققان، بی تا: ۳/۸۲۷).

ابن کثیر در کتاب خود می نویسد:

رباب دختران یف و همسر امام حسین علیه السلام در سال ۶۲ هجری قمری از دنیا رحلت فرمود. (ابن کثیر، ۱۴۱۳: ۸/۲۱۷)

سید محسن امین نیز سال وفات رباب علیه السلام را ۶۲ هجری - یعنی یک سال پس از عاشورا - ذکر کرده است (امین، ۱۴۰۳: ۶، ۴۴۹).

نتیجه گیری

رباب دختر امرء القیس بن عدی، همسر سیدالشهدا علیه السلام و مادر سکینه و علی اصغر (عبدالله) بوده است. محبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام به این بانوی بزرگوار به سبب شخصیت کم نظیرش بود و از آن جایی که رباب علیه السلام عظمت و مقام والای اباعبدالله علیه السلام را درک کرده بود، خود را خادم و کنیز اهل بیت علیهم السلام می دانست. او در واقعه کربلا تنها زنی از همسران امام حسین علیه السلام به شمار می رفت که با او همراه بود. او گام به گام با امام حسین علیه السلام حرکت می کرد و به همراه آن حضرت در سفر کربلا تمامی مصیبت ها و رنج ها را تحمل کرد. این بانوی عاشورایی همراه با سایر اهل بیت علیهم السلام مصائب کربلا و اسارت شام را به شکلی نیکو تحمل کرد. او به همراه اسیران به شام رفت؛ سپس به مدینه بازگشت و به مدت یک سال برای سیدالشهدا علیه السلام عزاداری کرد و مرثیه هایی نیز در سوگ آن حضرت سرود. رباب علیه السلام پس از بازگشت کاروان اسرا از کربلا با اجازه از حضرت سجاد علیه السلام همراه با برخی از کنیزان در کربلا ماند و به عزاداری پرداخت و بعد از یک سال به امر امام چهارم به مدینه بازگشت. وی به سبب محبتی که به امام حسین علیه السلام داشت، پیوسته در سوگ اباعبدالله علیه السلام گریان بود؛ به طوری که از فرط گریه و اندوه بر شهادت حسین علیه السلام، یک سال

بعد (در سال ۶۲ هجری) جان باخت.

ایشان از شایسته‌ترین زنان عصر خویش بوده است. شخصیت والای او باعث شد عده‌ای از اشراف قریش، پس از شهادت امام، از وی خواستگاری کنند که هرگز نپذیرفت. از حضرت رباب، مادر حضرت علی اصغر علیه السلام و حضرت سکینه علیها السلام که داغ نوزاد خود را به آن صورت دردناک دید، چیزی به عنوان ضجه زدن و بی‌تابی کردن دراز دست دادن فرزندش به ثبت نرسیده است. این رفتار، نشان دهنده بصیرت بانورباب است که وقتی امام حسین علیه السلام آن همه سختی و داغ را تحمل می‌کرد، با عواطف مادرانه و شیون و ناله سر دادن خود، موجب منقلب شدن امام علیه السلام نشد.

منابع

- ابن اثیر (۱۳۹۹ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (۱۴۲۶ق)، *تذکره الخواص*، قم، چاپ حسین تقی زاده.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی (بی تا)، *تاریخ دمشق*، بیروت، دارالفکر.
- ابن قتیبه، عبدالله (۱۹۶۰م)، *المعارف*، به کوشش: ثروت عکاشه، قاهره، بی نا.
- ابن کثیر، ابوالفداء عمادالدین اسماعیل (۱۴۱۳ق)، *البدایة والنهاية*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منصور، نعمان بن محمد (۱۴۰۴ق)، *شرح الاخبار*، قم، المطبعة السيد الشهداء.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق)، *الاصابة فی تمیز الصحابة*، بی جا، بی نا.
- اسماعیلی یزدی، عباس (بی تا)، *سحاب رحمت*، قم، مسجد مقدس جمکران.
- اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۷۲ش)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق: سید احمد صقر، قم، شریف رضی.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____ (۱۹۹۶م)، *لواعج الاشجان فی مقتل الحسین علیّه*، تحقیق: سید حسن امین، بیروت، دارالامیر.
- بزّی (۱۳۶۱ش)، *جوهره در نسب و شرح احوال علی وآل او*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بلاذری (۱۳۹۴ق)، *انساب الاشراف*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- تستری (شوشتری)، محمدتقی (۱۴۱۵ق)، *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی.
- جمعی از محققان (بی تا)، *موسوعه امام حسین علیّه*، دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- حائری، سید عبدالمجید (بی تا)، *ذخیره الدارین*، چاپ نجف اشرف.
- حائری، شیخ محمد مهدی (بی تا)، *معالی السبطين*، بیروت، مؤسسة النعمان.

- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، ترجمه: عبدالحمید آیتی، انتشارات سروش.
- خراسانی بیرجندی، محمدباقر (۱۳۷۶ش)، کتاب فروشی اسلامیة، بی جا، بی نا.
- خراسانی، محمدهاشم (بی تا)، منتخب التواریخ، کتاب فروشی محمدحسن علمی.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۴۱۲ق)، زندگانی امام حسین علیه السلام، انتشارات علمیه اسلامیة.
- سماوی، محمد بن طاهر (۱۳۴۱ق)، ابصارالعین فی انصارالحسین علیهم السلام، نجف اشرف، چاپخانه حیدریه.
- شبر، جواد (۱۳۸۸ق)، ادب الطف، بیروت، مؤسسة الاعلمی، چاپ اول.
- الصفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک (بی تا)، الوافی بالوفیات، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طبری، ابی جعفر محمد بن جریر (بی تا)، تاریخ طبری، تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، رجال الطوسی، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: جامعه مدرسین.
- عمادزاده (بی تا)، زندگی قمرینی هاشم و حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر، تهران، کتاب فروشی اسلامیة.
- فرهاد میرزا (۱۳۶۳)، قمقام زخار، تهران، انتشارات اسلامیة.
- قمی، عباس (۱۴۲۱ق)، نفس المهموم، بی جا، مکتبه الحیدریة.
- _____ (بی تا)، منتهی الامال، انتشارات ایران.
- القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۸۵ق)، ینابیع المودة، منشورات دارالکتب العراقیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (بی تا)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محلاتی، ذبیح الله (بی تا)، ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن و حدیث، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۸۸ش)، الارشاد، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی زنجانی، ابراهیم (بی تا)، وسیلة الدارین فی انصار الحسین، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- موسوی مفرم، سید عبدالرزاق (۱۳۶۶ش)، مقتل الحسین (ترجمه)، انتشارات جهان.
- واعظ قزوینی، صدرالدین (بی تا)، ریاض القدس، چاپ سنگی.

